

نزار الصياد

مدل سازی شهرهای سنتی اسلامی^۱

ترجمه مریم قیومی

شهرهای اسلامی طی چند دهه اخیر موضوع مطالعات مهمی بوده است. این شهرها را معمولاً با عباراتی نظیر انداموار^(۱)، نامنظم و پرهرج و مرج^(۲)، با خیابانهای بیچاره، بدون میدانها رسمی، بدون توجه به هندسه، و در مقابل با نظم شهری توصیف می‌کنند. با اینکه ممکن است این بیان توصیفی منصفانه از برخی شهرهای اسلامی باشد، تنها در صورتی می‌توان آن را توجیه کرد یا فهمید که در زمینه تاریخی وسیع‌تری قرار گیرد. مثلاً تلاش برای بازسازی تصوری سلهای اولیه برخی از معروف‌ترین شهرهای راست‌گوشه اسلامی- عربی، امکان‌پذیر است. شهرهای شطرنجی مانند دمشق، که صورت اصلی آنها به ریشه‌های رومی- یونانی بازمی‌گردد، و شهرهای طراحی شده مانند قاهره که به صورت شبکه هندسی منظمی بنا شد تا خلیفه جدید و اطراfinans در آن مستقر شوند، نمونه‌های خوبی از سیر تحول شهرهای اسلامی است.

در غیاب اطلاعات باستان‌شناسی تفصیلی، مورخان شهر و معماری مجبور به رجوع به توصیفهای متون بوده‌اند تا صورت شهری اولیه این شهرها را بازسازی کنند. تاریخ‌نامه‌های عربی که هم‌زمان با گسترش اسلام نوشته شده غنی‌ترین منبع تاریخ شهرهای اسلامی است. برای برآوردن اهداف این مقاله تقریباً منحصرأ به این تاریخ‌نامه‌ها استناد می‌کنم تا طرح کلی بازسازیهای گوناگون بصری قاهره و دمشق را در مراحل اولیه رشدشان نشان دهم. به این منظور، عمدتاً بر غودارهای متداول شکل- زمینه^(۳)، اتصال، و مکان به عنوان روشنی برای تحلیل رابطه میان کاربری زمین و الگوهای فعالیت و تسهیلات بنیادی تکیه خواهیم کرد. از مaktek گلی نیز برای تحلیل روابط فضاهای پر و خالی و طرحهای کالبدی و الگوهای مسیر گردش استفاده خواهیم کرد. از شبیه‌سازی رایانه‌ای نیز، که در آن از فنون تصاویر متحرک پیشرفت‌ه استفاده می‌شود، به منظور ارائه حالت‌های مختلف بازسازی تصویری شهرها و نیز برای بررسی سیر تحول بهره خواهیم گرفت.

دمشق

شهر دمشق در طول تاریخش پیوسته پیشرفت کرده است. اولین ذکر این شهر از هنگامی است که پایتخت پادشاهی آرامی کوچکی در قرن یازدهم قبل از میلاد بود. فتح

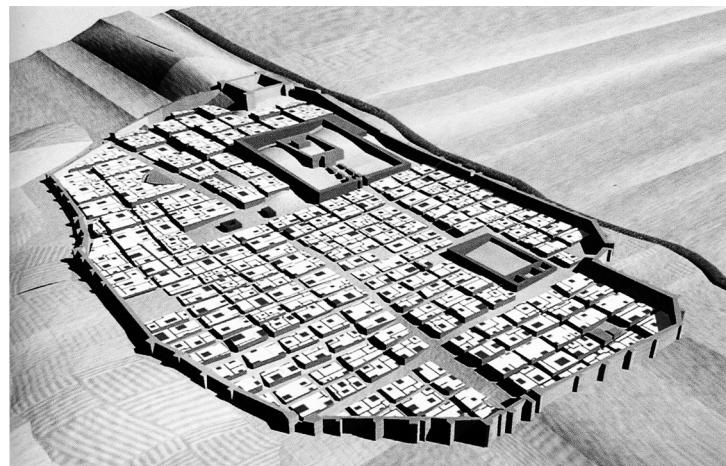
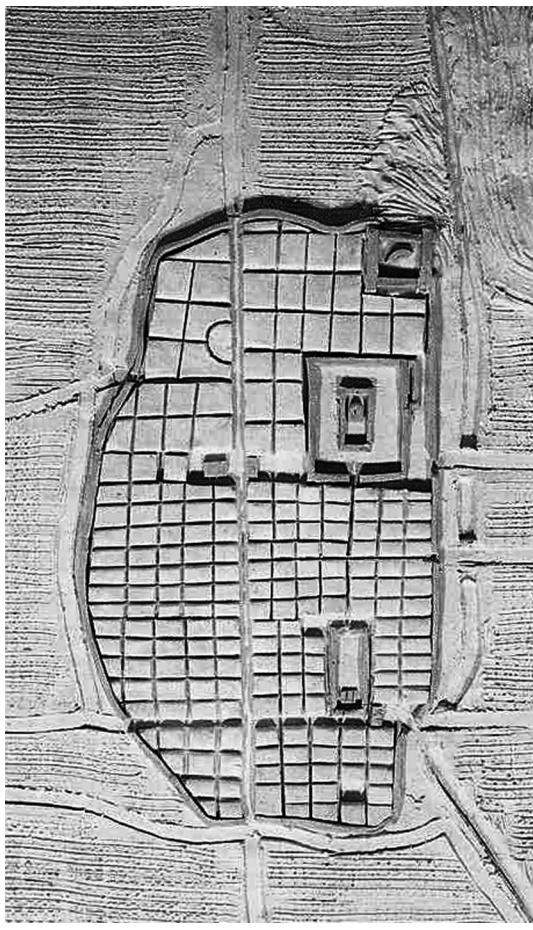
برای فهم بهتر شهرهای اسلامی، باید آنها را در زمینه تاریخی وسیع‌تری بررسی کرد. بازسازی تصویر شهرها در مقاطع تاریخی گوناگون و ساختن غونک واقعی و رایانه‌ای برای این شناخت مفید است. در غیاب اطلاعات باستان‌شناسی تاریخی برای این بازسازیها، مورخان شهر و معماری ناگزیر باید به تاریخ‌نامه‌ها استناد کنند. از جمله کارهایی که در این زمینه شده است، بازسازی سیر تحول دمشق و قاهره، یکی در زمان امویان و دیگری در زمان فاطمیان، است.

دمشق که پایتخت یک کشور کوچک آرامی بود، پس از سلطه اسکندر و سپس رومیان، کلان شهر یونانی- رومی و بعدها به شهری بیزانسی بدل شد. مسلمانان که شهر را تصرف کردند، بدرغای ایجاد تحول اساسی فرهنگی در شهر، دست‌کم تا هنگامی که بقیه آن را پایتخت خود ساختند، ساختار و تصویر عمومی آن را دگرگون نکردند. فاطمیان در مصر به پایتختی نیاز داشتند که با بغداد هماوردی کند و مرکز فکری و دینی جهان اسلام باشد. جوهر، سردار خلیفه العز لدین الله، شهر جدید قاهره را در شمال شهر قدیم فسطاط و به موازات نیل بنادر. الکوی این شهر مستطیل و شامل پارو و دروازه‌ها، کاخ خلیفه، مسجد، میدانها، املاک لشکریان، و بستانهای موجود از قبیل بود. کاخ خلافت با میدانها و باغهایی از محیط پیرامونش و از جنوب با رحیمه‌ای از مسجد جامع جدا می‌شد که خلیفه‌المعز اولین غاز جمعه را در آن امامت کرد. تصویر کلی قاهره در دوره‌المعز، با شبکه منظمی از خیابانهای عریض و میدانهای باز، با تصویر قالی شهر اسلامی بسیار متفاوت است. الغزیز پسر المعز نیز بعد از او سازندگی هایش را با بناهایی چون قصرالحر و مسجد حکیم ادامه داد. بدراجلمالی وزیر شهر را با استفاده از سنگهای معابد مصر باستان نو کرد و گسترش داد.

فهم صحیح و کامل تاریخ شهرهای اسلامی نیازمند ایجاد پایگاه اطلاعات تاریخی همراه با تصاویر و شبیه‌سازیهای رایانه‌ای است تا از این راه، بایی جدید را در تاریخ صورت شهر گشوده شود.

(1) organic
(2) anarchic

(3) figure-ground

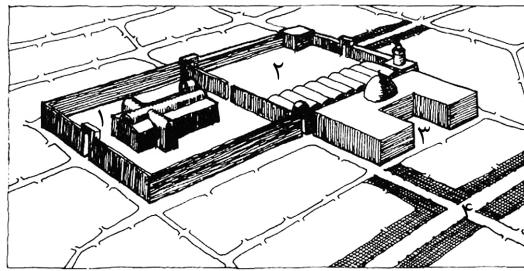
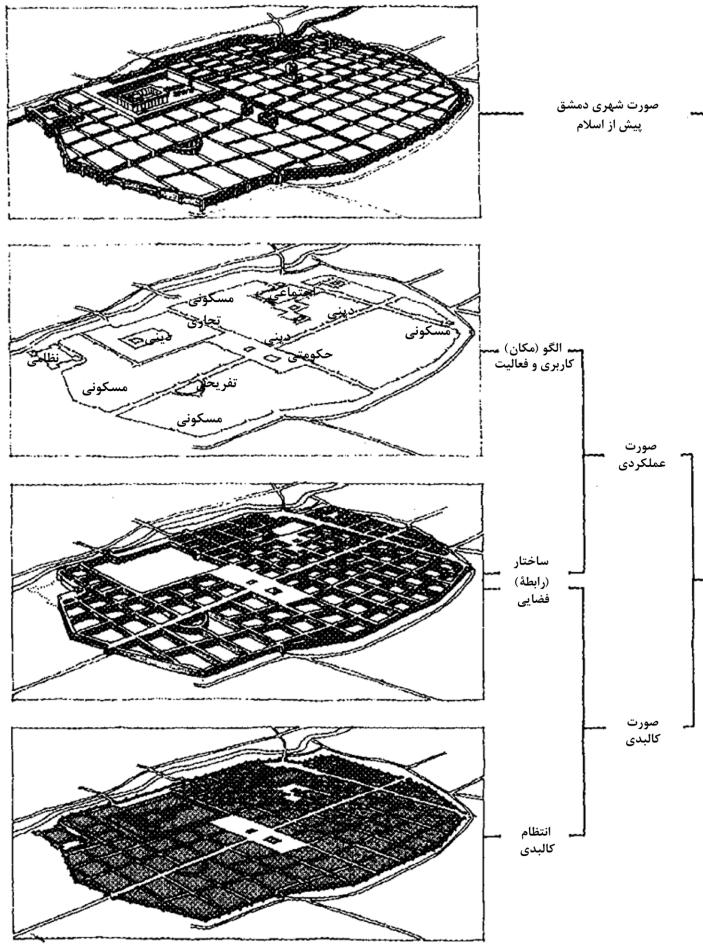


- ت.۱. (چپ) بازسازی دمشق قبل از فتح آن به دست عربان، با گونک گلی
ت.۲. (راست، بالا) بازسازی رایه‌ای دمشق پیش از اسلام
ت.۳. (راست، پایین) نقشه دمشق هفتم در ابتدای قرن میلادی، پیش از فتح آن به دست عرب (بر طبق نظر سووازه، بیلیسیف، تاریخ نامه‌های عربی) معبد ژوپیتر بدلاً شده به کلیسا جناب یوحنا، ۲. محوطه معبد آتنوس، ۳. محوطه پیرامون معبد (پریپولوس) با حجره‌های افزوده بدان، ۴. میدان یونانی آگورا) که میدان رومی (فوردوم) حجرداری بدل شده است، ۵. خیابان رواق دار، ۶. خیابان شرقی-غربی اولی، مانند دکومانوس^(۷) در شهرهای رومی، با طاقهای رومی متعددی از شرق شهر به غرب آن کشیده می‌شد. دویمی، جاده قدیمی هم جوار معابد و آگورا بود (که به فوروم^(۸) تغییر یافت). دزی نیز در گوشش شمال شرقی شهر ساخته شد. رومیها به شهر صورت مستطیلی با ابعاد ۱۵۰×۲۲۵ م دادند. بارویی با هفت دروازه، شهر را احاطه می‌کرد: دروازه شرقی، دروازه الجایة^(۵) به غرب، سه دروازه به شمال که شامل دروازه توما^(۶) در شمال شرقی و دو دروازه به جنوب می‌شد (ت ۲ و ۳).

در سال ۳۹۵ م، دمشق قسمتی از امپراتوری بیزانس و ساختمان کلیساها در آن آغاز شد. معبد ژوپیتر،

که در آن زمان متروک بود، بازسازی شد و به کلیساي تغیير یافت که وقف یوحنای تعمیددهنده^(۱۰) شد. تپه‌های غربی شهر (که بعدها درون باروی رومی واقع شد) علاوه بر در، کاخ بیزانسی را در بر داشت (ت ۴). هنگامی که دمشق به دست عربها افتاد، ضعف عمومی مراجع دولتی منجر به نادیده گرفتن ضوابط ساخت و ساز شد و نظم کالبدی در شهر شروع به تلاشی کرد. با این حال، آگرچه به حریم خیابانها تعرضاتی شده بود؛ هنوز شبکه کارآ و قابل تشخیص بود. به نظر می‌رسد نظم شهر عربها را بسیار تحت تأثیر قرار داده بود، خصوصاً دکومانوس طویلش که آن را «مستقیم»^(۱۱) می‌خواندند، و این عنوان را تقریباً به مدت ده قرن به کار برداشتند. اساساً سلطه عربها چندان تأثیری بر دمشق نگذاشت؛ چندین گروه از جمیعت یونانی‌زبان از شهر گریختند و بسیاری از املاک رهاسده‌شان را عربهایی که به آنجا می‌آمدند تصرف کردند.

در تاریخ‌نامه‌ها درباره مفاد عهدنامه امضاشده میان



عربها و مسیحیان داستانهای بسیاری نقل شده است؛ مثلاً بالاذری از واقعی، که می‌گویند متن عهدنامه‌ای را که خالد امضا کرده بوده (که خود محل بحث است) دیده است نقل کرده که در این عهدنامه هیچ اشاره‌ای به تقسیم خانه‌ها یا کلیساها [با مسلمانان] نشده است.^۷ محققان بسیاری به این ترتیجه رسیده‌اند که جزئیات واقعه اشغال دمشق حاصل نظام مستندسازی تاریخ به دست نسلهای بعدی مفتیان و علماست که به دنبال توجیه حادثه بوده‌اند.

چه بر اثر تخلیه داوطلبانه و چه سلب مالکیت، عربهای مسلمان به تدریج در خانه‌های خالی دمشق ساکن شدند. اگرچه اطلاعاتان در مورد محل دقیق زندگی عربها بسیار کم است، این را می‌دانیم که آنها هیچ محله خاصی بنا نهادند. به نظر می‌رسد فرماندهان پادگانهای مختلف تعدادی خانه خالی را در محله‌ای گوناگون تصرف کرده باشند.

شاید مهم‌ترین ماجراهی تاریخی در تغییر صورت دمشق در دوره عربها مربوط به مسجد آن باشد. بدیهی است محلی که عربها برگرداند محل قبلی کلیسای یوحنا تعمیده‌نده بود. این جای معتقد است که مسلمانان کنیسه یا کلیسا را به دو بخش تقسیم و نیمة شرقی آن را تصرف کردند؛ ولی محققان بسیاری این مطلب را رد کرده‌اند. برخی چنین رابطه‌ای را ناممکن دانسته‌اند؛ برخی دیگر این سردرگمی را به خطاطی در ترجمه نسبت می‌دهند. کرسول^(۱۲) این طور ترتیجه‌گیری کرده است که مسلمانان صرفاً نیمة شرقی معبد قدیمی یا تمنوس^(۱۳) را تصرف کردن که خارج از بنای کلیسا بود (ت ۵).

ظاهرآً توضیح کرسول با تعهد مسیحیان در عهدنامه‌شان با عربها مطابقت دارد. ولی مسلمانان چگونه در این فضاء، پیش محوطه کلیسا^(۱۴)، که بیرون کلیسا بود نماز می‌گزارند؟ ویژگیهای کالبدی و عملکردی آن چه بود؟ آیا هیچ یک از بخش‌های آن سرپوشیده بود؟ و احتمالاً چه رابطه‌ای با قبله داشت؟ در اندکی از تاریخ نامه‌ها به مسجد

ت ۴. (چپ) تحلیل صورت شهری دمشق پیش از اسلام

ت ۵ (راست) مجاور کلیسای دمشق «مصلأ» گفته‌اند. این اصطلاح اولین بار در مدینه به کار رفت، و مکانی خارج از شهر را شامل می‌شد که مسلمانان برای غاز عید در آنجا جمع می‌شدند. بعدها بنای در مصلای مدینه ساختند. امکان دارد چنین جریانی در دمشق رخ داده باشد، که در آن، عمل ساختن به تنهایی تداوم بخش تأثیرات عربی یا اسلامی بر این شهر نبوده است.

سرگذشت مسجد تنها یکی از ماجراهای تاریخ تصرف دمشق است، اما نمونه خوبی است. عربها با هر نوع بنای دیگری که تصرف کردند رفتاری متفاوت نداشتند و در دمشق یا اصلاً تغییری ساختاری رخ نداد یا بسیار ناچیز بود—دست‌کم تا زمانی که بنی امیه در سال [۶۴۱ ق/۷۱۳ م] آن را به عنوان پایتخت خود برگزیدند.

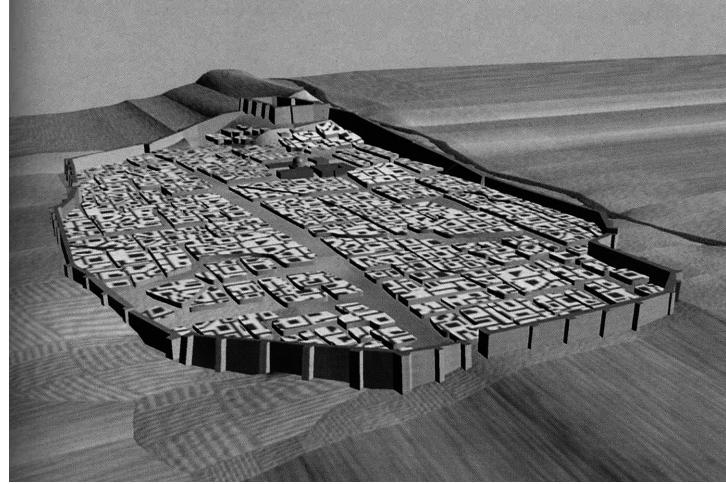
در زمان معاویه، دمشق پایتخت خلافت بنی امیه شد. معاویه با ساختمان‌سازی بر مبنای تجارب قبلی اش در سمت والی شام و با پیروی از الگوی بیزانسی موجود،

(12) K. A. C. Creswell

(13) Temenos

(14) Parvis

۲ مسجد اموی
۳ کاخ الخضراء
۴ تجارتگاه / رواق که
به بازار بدل شد



سازمانهای دیوانی دمشق را بنیاد نهاد؛ تحت فرمان او رنگ و بوی مدیرانه‌ای بر حال و هوای صحرای اسلام غلبه کرد. معاویه در امر خلافت دخل و تصرف کرد؛ و از همان آغاز کار پیداست که قصد داشته است آن را به سلطنت تغییر دهد. اگرچه فقهای صدر اسلام سلطنت را غیراسلامی تلقی می‌کردند و عربهای تحت سلطه معاویه از عنوان «ملک» نفرت داشتند؛ معاویه دست از برنامه‌هایش برای ایجاد سلسله‌ای برنداشت که بتواند با سلسله‌های اروپایی رقابت کند.

زمانی که معاویه والی شام بود، در یکی از کاخهای بیزانسی قدیمی شهر زندگی می‌کرد. چند سال پس از رسیدن به خلافت، کاخی برای خود ساخت. کاخ معاویه الخضراء یا «کاخ سبز» نامیده می‌شد؛ گویا بدین سبب که گبد سبز بزرگی داشت. به گفته ابن عساکر، کاخ را با آجر ساخته بودند و در جوار دیوار جنوبی مسجد در جهت قبله قرار داشت. در نونهای قدیمی تر در کوفه و بصره نیز برای استفاده از سمت قبله مسجد چنین ارتباطی بین مسجد و دارالاماره وجود دارد.

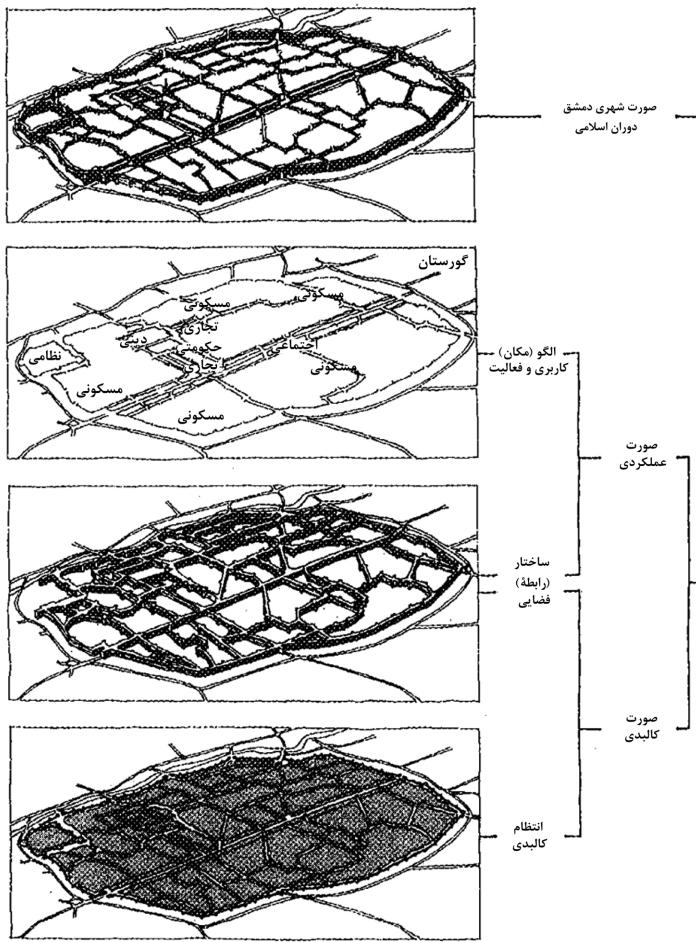
بعید است که این رابطه در دمشق تصادفی بوده باشد؛ ولی پی‌جویی چنین پیشینه‌ای برای آن یا اثبات اینکه معاویه سعی در تکرار الگویی داشته که قبلًاً دیده بوده دشوار است. طبق گفته ابن عساکر، می‌دانیم که آن کاخ در زمان حکومت معاویه تغییرات متعددی کرد. او می‌گوید سفیر بیزانس در دمشق با دیدن کاخ گفت که «این کاخ نیست؛ زیرا بالای آن برای پرندگان و پایینش برای آتش است». گویا این سخن موجب شد معاویه به کاخ وسعت بخشد و آن را با سنگ بازسازی کند.

ظاهراً در کاخ معاویه، دو بخش متمایز وجود داشت: محل سکونت خانواده او، و دربارش. شاید عنوان «کاخ سبز» به کل مجموعه بنایی اداری اطلاق شده باشد که خانه معاویه تنها بخشی از آن بود. بیلیسیف^(۱۵) حتی بر این باور است که «کاخ سبز» صرفاً تغییر یافته کاخ بیزانسی قبلی بوده است. ولی حتی اگر این باور درست باشد، نباید از اهمیت تلقی مسجد و بارگاه خلافت بهمنزله نماد اتحاد حکومت و دین در قدرت رو به رشد اسلام بکاهد.

اگرچه دمشق پایتخت حکومت معاویه بود، صورت کالبدی یا زندگی روزانه این شهر تغییر بسیاری نکرد. زبان یونانی زبان دیوانی باقی ماند و تصویر عمومی شهر، بر رغم تحول اساسی فرهنگی، تغییری نکرد. ادعای نامعقول بودن خیابانهای دمشق و سازمان فضایی آن موضوع مجادلات فراوان بوده است (ت ۶ و ۷). عقیده رایج میان محققان این است که نامنظم بودن خیابانها تجلی برخی مقررات هرج و مرچ طلبانه است که ریشه در نظام شهری اسلامی دارد. اساساً این دیدگاه را ژان سوواژه^(۱۶)

ت ۶ (چپ) بازسازی
دمشق دوران اسلامی با
نمونه گلی

ت ۷. (راست) بازسازی
رايانه‌ای دمشق دوران
اسلامی



ت ۸ (راست) نقشه دمشق دوران اسلامی
آغاز ساخت دو بنای اصلی، یعنی کاخ خلیفه و مسجد،
بود. بنا بر افسانه‌ها، روز بعد هنگامی که گروهی غاینده از

مسجد اموی خوشامدگویی به نزد جوهر رفتند، دریافتند

که پی کل شهر را به تازگی کنده‌اند. در تاریخ‌نامه‌ها هیچ

سخنی از معماران یا سازندگان شهر نرفته است؛ و از

اینجا می‌توان احتمال داد که سپاه او شامل افرادی با

چنین مهارت‌های ویژه‌ای بوده است.

ت ۹ (چپ) تحلیل صورت شهری دمشق دوران اسلامی

مقریزی مورخ نامدار قاهره، می‌گوید جوهر اساساً

شهر را به صورت مربعی به ضلع ۱۰۹۷ متر / ۱۲۰۰ یارد

طراحی کرد. این در مجموع مساحتی معادل با

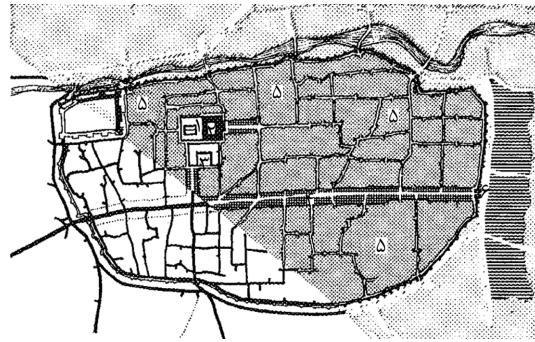
۳۴۰ هکتار / ۳۴۰ جریب فرنگی را شامل می‌شود که

۲۸ هکتار / ۷۰ جریب آن به کاخ خلیفه، و ۷۰ جریب از

بقیه به باغهای موجود بستان کافوری و میدانهای جدید

یا رحبه اختصاص یافت. مساحت باقی مانده با عنوان

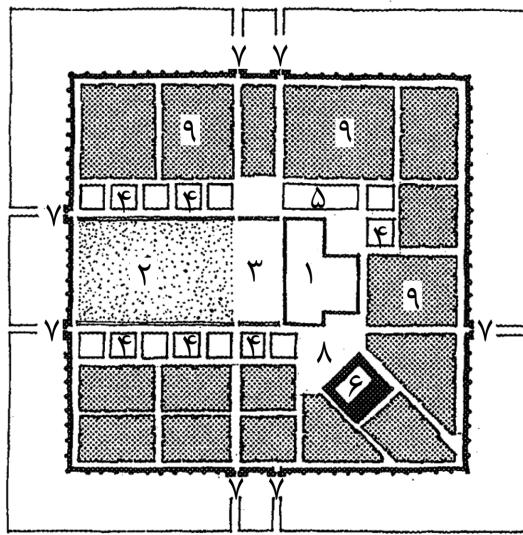
خطه به ۲۰ گروه متفاوت واگذار شد که سپاه را تشکیل



حمایت می‌شد؛ کسی که تلاش‌هایش برای بازسازی طرح یونانی-رومی دمشق و حلب او را به این نتیجه سوق داد که نظم خیابانهای آنها تا دوره اسلامی حفظ شده، ولی تحت تأثیر عربها از بین رفته است (ت ۸ و ۹).
به هر حال، دوپلانول^(۱۷) این عقیده را رواج داد و همه شهرهای اسلامی را به منزله شهرهایی که هیچ نظمی ندارند، بدنام کرد. او معتقد بود که «دین اسلام به نفع نظم شهری می‌انجامد». با این حال، فون گرونباورن^(۱۸) بعدها گفت که تلاشی شبکه شطرنجی معابر دمشق هم‌زمان با قرن دوم میلادی شروع شده بود، و این تغییر را به ضعف مراجع دولتی مربوط می‌دانست. اگرچه این نظر تا حدی صحیح است، دانست اینکه دقیقاً چه زمانی این تغییر کامل شد و اینکه کدام نیروها باعث ایجاد آن شد، دشوار است. آنچه می‌دانیم این است که تصویر عمومی شهر با سلطه عربها تغییر ماهوی نیافت و هر گونه تغییری که در خیابانهایش واقع می‌شد بخشی از جریانی پیش‌روند بود.

قاهره

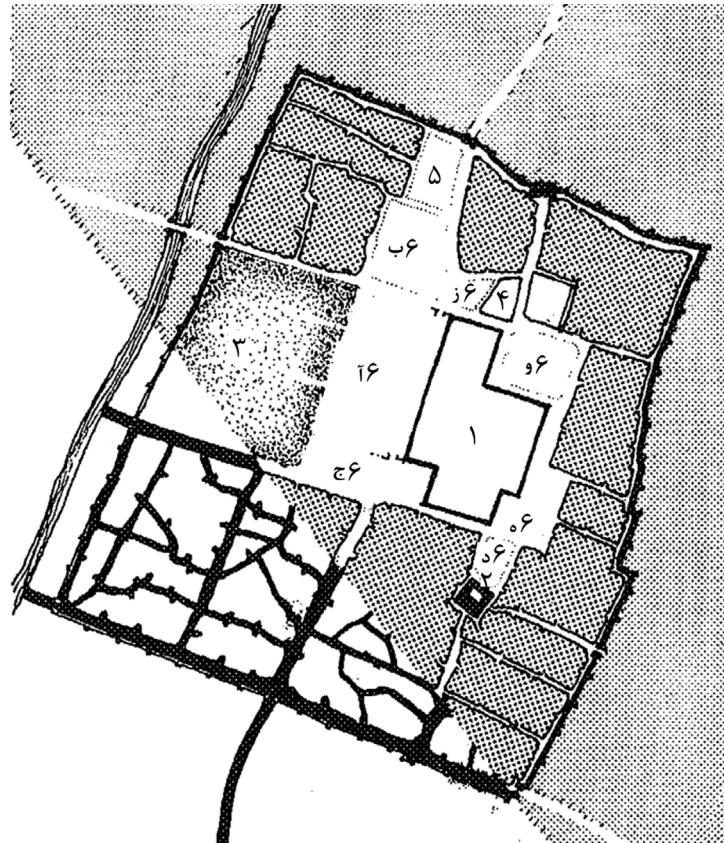
پس از تلاش‌های متوالی، جنبش فاطمیان نیروی کافی برای فتح مصر به دست آورد و تقریباً بلافضله، جوهر، سردار^(۱۹) خلیفة فاطمیان، شروع به جستجوی مکانی برای استقرار لشکر خود کرد. طبق دست‌کم یک روایت، او در فکر ایجاد پایتختی جدید بود که خلیفه المعز به منزله سریر خلافتش و هماوردی برای بغداد در نظر داشت. از آنجا که جوهر مجبور بود طرح از پیش مشخصش را در این منطقه تکه تکه پیاده کند، شهر جدید را در تنها مکانی که برایش ممکن بود، در شمال سکونتگاههای موجود بنا کرد. از این نظر، قاهره نیز پیرو الگوی از پیش موجود شهرهای است که موازی نیل ساخته شده بود. اولین اقدام جوهر



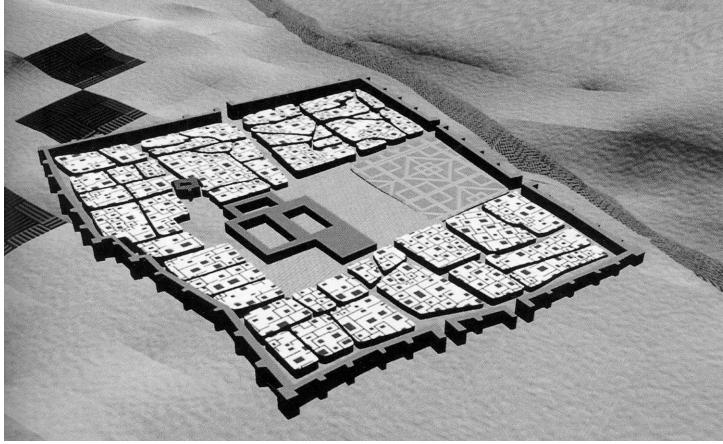
و فرمان داد آنها را در محلی نزدیک کاخش دفن کنند.
خلیفه با ورودش به شهر اولین نماز جماعت را امامت کرد،
تا قاهره را به جهتی سوق دهد که در ساهای آق پایتخت
فکری و دینی جهان اسلام شود.

توصیف مقریزی از عناصر گوناگون شهری ای
که شهر فاطمیان را شکل می داد، از ۲۰۰ صفحه تجاوز
می کند، و بسیاری از این مقدار را به کاخهای آن
اختصاص داده است. او می گوید که جوهر و قواش در
جنوب محل قاهره اردو زدند و فوراً ساخت باروهای
شهر را آغاز کردند. مقریزی همچنین می گوید جوهر
هم زمان ساخت کاخ اصلی را در سال [۳۵۸ق/۹۶۹م]
شروع کرد (ت ۱۱ و ۱۲). ضلع غربی کاخ با میدان مرکزی
هم مژبد بود، که بعدها با الحاق کاخ خلافت دیگری به
سمت غرب محصور شد. مبارک می گوید که میدان محلی
بود که خلیفه در آنجا عرض لشکر می دید و ۱۰۰۰۰
لشکری را اسکان می داد. در قاهره، مانند بغداد که اولین
پایتخت طراحی شده اسلامی بود، کاخ خلافت با میدانها
و باغهایی از محیط پیرامونش جدا می شد. در غربیش،
بسستان کافوری قرار داشت؛ باغ وسیعی که در طی دوره
آل اخشید^{۱۱} برای تفرج ایجاد شد. این باغ با دیوار محصور
شده بود و از طریق گذرگاههای زیرزمینی به کاخ خلافت
متصل بود، و در روزهای نخست، به خلیفه و خانواده اش
اختصاص داشت. رحبهای کاخ خلافت را دارالضیافه و
خطه البرقیه، به ترتیب از شمال و شرق جدا می کرد.

در حالی که ساخت کاخ ادامه داشت، جوهر
ساخت مسجد جامعی را در جنوب کاخ آغاز کرد که با

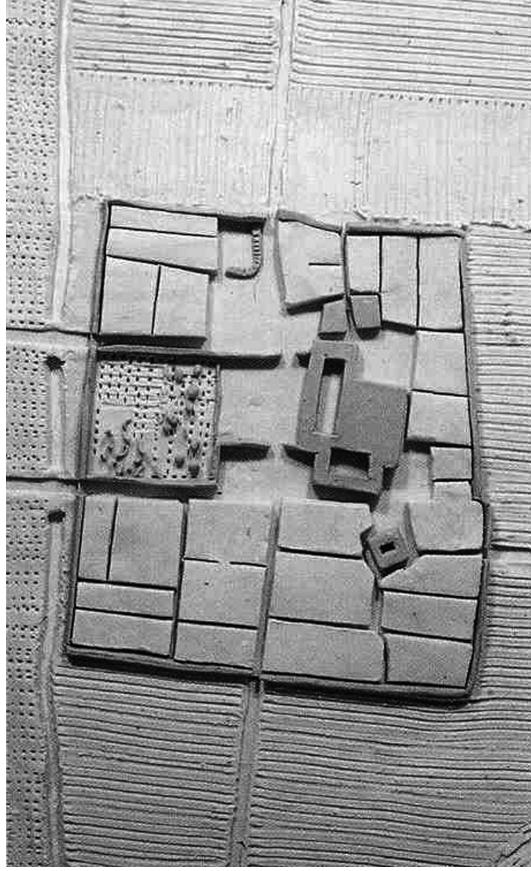


- ت ۱۰. (چپ) نقشه اصلی قاهره مطابق تصویری که جوهر بدست داد (بازسازی بر طبق توصیف مقریزی از نقشه شهر) (۱) دارالخلافه، (۲) باغ، (۳) میدان، (۴) کاخهای سلطنتی، (۵) دارالضیافه، (۶) مسجد، (۷) دروازه ها، (۸) رحیه، (۹) محله های مسکونی (ت ۱۳) (راست) بازسازی نقشه قاهره آنچنان که در محل اجراء شد (طبق نقشه این منبع جغرافیای مصر در سال ۱۹۲۲) (۱) کاخ خلیفه، (۲) مسجد الازهر، (۳) باغ-کاخها (بسستان کافوری)، (۴) دارالضیافه، (۵) اصطبلها، (۶) میدان خلافت (الف) میدان خلافت (میدان الكبير)، (ب) میدان اخشید، (ج) رحیه القصر، (د) رحیه الازهر، (ه) قصر الشوك، (و) رحیه العید، (ز) دارالضیافه (۱۹) Cairo



ت. ۱۱. (راست) تاریخ نامه ها اشاره های به چنین فعالیتی نشده است؛ هر چند که احتمال دارد قاهره در روز های آغازینش دارای انبارها و بازارهای محلی کوچکی بوده باشد، زیرا در غیر این صورت، خروج از شهر به منظور خرید روزانه برای شهر وندان بسیار دشوار می شده است. وقتی قاهره بزرگ تر شد و رابطه های متوازن با شهر دو قلویش فسطاط ایجاد کرد، این وضعیت تغییر یافت.

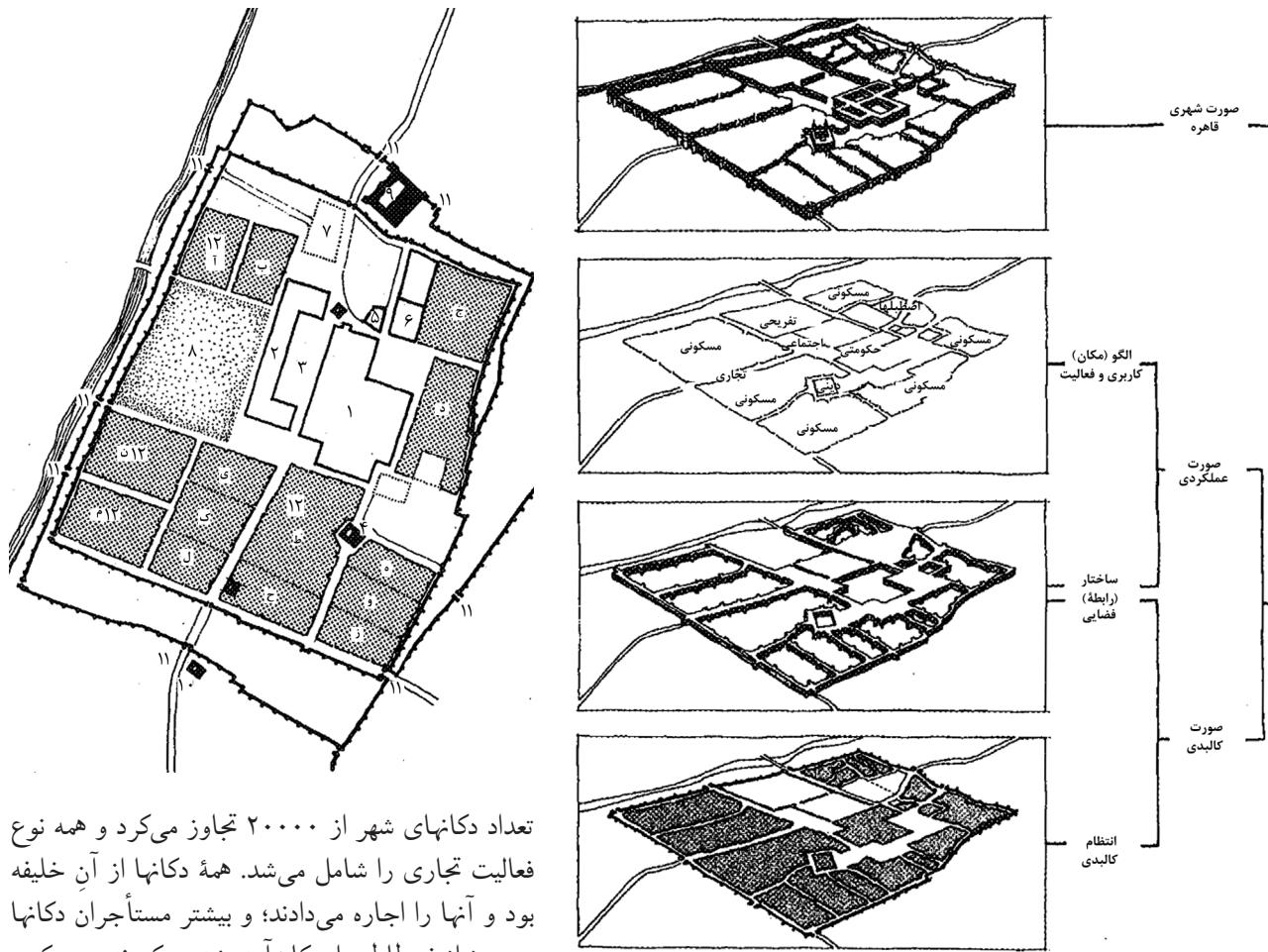
ت. ۱۲. (چپ) بازسازی قاهره اوایل دوره فاطمیان با نمونک رایانه ای



رحبهای از کاخ جدا می شد. مقربی می گوید که ساخت این مسجد در سال [۳۵۹ق/ ۹۷۰م] آغاز شد و سه سال بعد به پایان رسید. خلیفه المعز اولین نماز جمعه را امامت و خطبه^{۱۲} را در عید فطر ^{۱۳} سال [۳۶۲ق/ ۹۷۲م] ایراد کرد.

حاره ها یا محله های مسکونی قاهره در محیط بیرونی آن قرار داشت؛ اگرچه مقیاس ساخت در این مکان با مرکز شهر بسیار متفاوت بود. در اصل حاره ۲۰ وجود داشت که هر کدام به یکی از قبایل تشکیل دهنده لشکر فاطمیان اختصاص داشت. تعادل میان این قبایل و نفوذشان در دولت فاطمی قاهره برای موجودیت شهری قاهره اهمیت اساسی داشت. برخلاف شهر های نظامی قدیم که از قبایلی تشکیل شده بود که اکثراً از عربستان آمده بودند، قبایل هم سنخ در قاهره زندگی نمی کردند. وجود نظم شهری به مدد نظامی بود که به قبایل مختلف سهمی در دولت می داد.

بعید است که قسمت اصلی شهر، که مکانی خصوصی و شاهانه بود، دارای بازار بوده باشد؛ در هیچ یک از



تعداد دکانهای شهر از ۲۰۰۰۰ تجاوز می‌کرد و همه نوع فعالیت تجاری را شامل می‌شد. همه دکانها از آن خلیفه بود و آنها را اجاره می‌دادند؛ و بیشتر مستأجران دکانها هر روز از فسطاط برای کار آمدوشد می‌کردند. هیچ کس به جز خلیفه اجازه نقل املاک تجاری یا مسکونی را در قاهره نداشت.

قبل از پایان حکومت فاطمیان، شهرهای قاهره و فسطاط در کنار هم به حیات خود ادامه می‌دادند و به صورت مرکز شهری واحدی عمل می‌کردند که پایتحت حقیقی خلافت فاطمیان و مهم‌ترین شهر اسلامی در قرون میانه بود. الگوی منظم شهر طراحی شده بعدها شروع به از هم پاشیدگی کرد و به همسایه قدیمی‌اش فسطاط شباهت یافت (ت ۱۶ و ۱۷).

نتیجه

یافته‌های این تحقیق بسیار مفید و ابزار استفاده شده برای رسیدن به آن ضروری است. ترسیم نقشهٔ صور کالبدی شهرها در مراحل مختلف رشدشان لمحه‌ای است از چگونگی تجربه زیستن در این شهرها. همچنین فرصتی برای درک و فهم دلایل برخی تصمیمات شهری فراهم

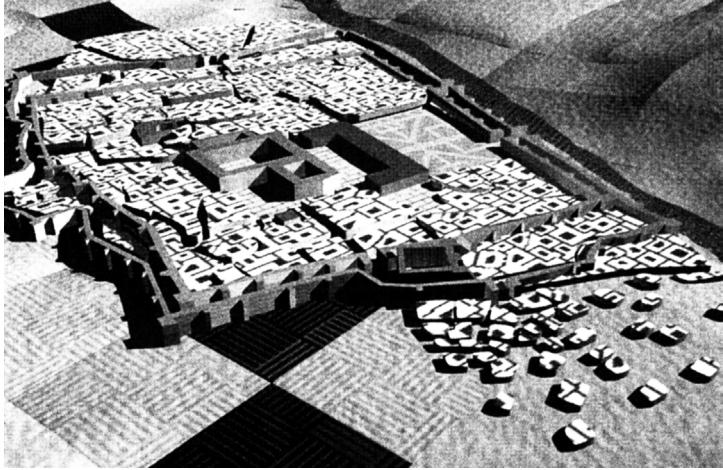
شیعیان در مسجد حکیم ایراد می‌شد.

هنگامی که بدرالجملای، حاکم فاطمی شام، را در سال [۴۶۱ ق/ ۱۰۶۸ م برای بر عهده گرفتن وزارت فراخواندند، او صورت ظاهر قاهره را نو کرد. او با ساختن باروی سنگی و تعدادی دروازه جدید و همچنین از میان برداشتن بنایی که در بیرون دیوار قرار داشت، به شهر وسعت بخشید. برای اولین بار به قاهره ظاهر شهر قلعه داده شد؛ دستاوردی که اساساً با استفاده از سنگ بازیافته از معابد مصر باستان هم جوار، و با آوردن سازندگان ماهر استحکامات از بیزانس حاصل شد.

در دوران شکوفایی فاطمیان، قاهره شهری باشکوه بود. اگرچه نقشه اولیه این بود که قاهره به صورت محوطه‌ای وسیع و مجلل از بناها درآید؛ به سرعت به مرکز شهری تمام عیاری بدل شد. سیاح ایرانی، ناصر خسرو، که در [۴۳۹-۴۴۲ ق/ ۱۰۵۰-۱۰۴۷ م] در این شهر اقامت داشت، شرحی مختصر از ابعاد کسب و تجارت داده است:

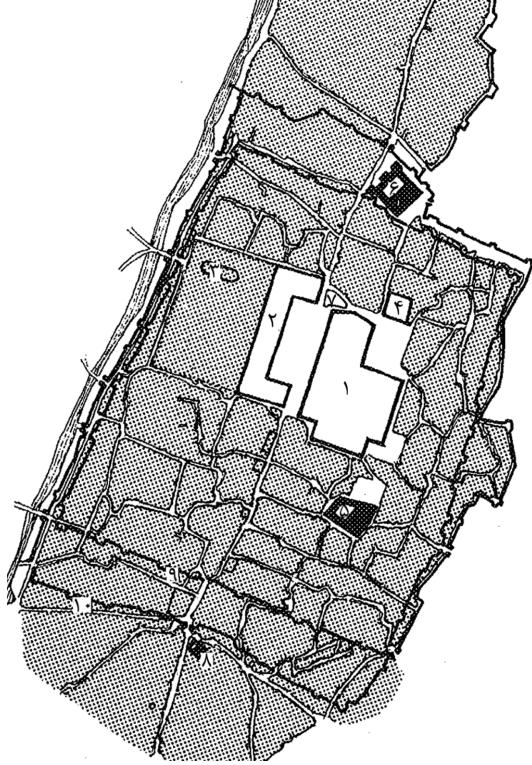
تصویر اوبیه: پ. سیپ
دارالخلافه از پیرامونش
به واسطه محوطه بازار که
در این نقشه پیداست (بر
طبق قول مقربی)
(۱) کاخ شرقی بزرگ،
(۲) کاخ غربی کوچک،
(۳) میدان کاخ،
(۴) مسجد الازهر،
(۵) دارالضیافه، (۶) ساری
وزیر، (۷) اصطبلها،
(۸) باع گانفوری،
(۹) مسجد الحکیم،
(۱۰) مسجد،
(۱۱) دروازه‌ها،
(۱۲) محله‌های مسکونی:
(الف) فرجیه، (ب)
برگونان، (ج) قطوفیه،
(د) برقیه، (ه) کوتنه، (و)
طوارق، (ز) شرابیه، (ح)
یوناق، (ط) دیدم، (ی)
عمره، (ک) جنداره، (ل)
زئیله، (م) محمودیه، (ن)
عذریه

ت ۱۵. (راست) تخلیل
صورت شهری قاهره در
دوره فاطمیان



كتاب نامه

- ت ۱۶. (راست) قاهره
در ابتدای حکومت
ایوبیان
(۱) کاخ شرقی خلافت
(۲) کاخ غربی
(۳) اصطبلها
(۴) کاخ وزیر
(۵) مسجد الازهر
(۶) مسجد حکیم
(۷) مسجد افمار
(۸) مسجد صالح
(۹) دیوار و دروازه‌های
قیمه‌ای
(۱۰) دیوار و دروازه‌های
جدید
- ت ۱۷. (چپ) بازسازی
رایانه‌ای قاهره در
ابتدای حکومت ایوبیان
- ابن تغزی بردى الاتابکی. *النجوم الزاهرة في ملوك مصر والقاهرة*,
دارالكتب مصر.
- ابن عساکر. *تاریخ مدینة دمشق*, بیروت, دارالفکر, ۱۴۱۵ق.
- بالذری. *فتحو البیان*, بیروت, دار و مکتبة الاملال, ۱۹۸۸م.
- مقریزی. *الواعظ والاعتبار بذکر الخطط والآثار*, بیروت, دارالكتب
العلمیة, ۱۴۱۸ق.
- باسورث, ا.ک. سلسله‌های اسلامی جدید, ترجمه فریدون بدراهی, مرکز
bastaneshnasi اسلام و ایران, ۱۳۸۱.
- بغدادی, صفی الدین عبدالحق. *مراصد الاطلاع عن اسماء الامكنة والبقاء*,
بیروت, دارالجیل, ۱۴۱۲ق.
- یاقوت حموی. *معجم البیان*, بیروت, دار صادر, ۱۹۹۵م.
- AlSayyad, Nezar. *Cities and Caliphs: On the Genesis of Arab Muslim Urbanism*, New York, Greenwood Press, 1991.
- Al-Sayyad, Nezar. "Modelling Traditional Islamic Cities" in: *MIMAR: Architecture in Development*, no. 43, London, Concept Media Ltd, 1992.



می‌کند. صورت شهرهای مانند دمشق و قاهره نه تنها بازتابی از هنجرهای اجتماعی و قانونی بود؛ بلکه حاصل ادغام عمل فردی [شهر و ندان] با اراده و قدرت [حکومت] بود.

فهم صحیح و کامل تاریخ شهرهای اسلامی نیازمند ایجاد پایگاه اطلاعات تاریخی است که با تصویر همراه باشد. ثابت شده است که شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای سازوکارهای بسیار مؤثر در تحلیل تاریخ صورت شهری است: امکان الحق بصری یافته‌های جدید متنی و معمارانه و باستان‌شناسانه را فراهم می‌کند؛ می‌توان از آنها چون ابزاری برای اجرای برنامه‌های حفاظت تاریخی استفاده کرد؛ در ایجاد تصاویر متحرک برای اهداف آموزشی مفید است و قابلیت آنها چون ابزاری برای طراحی در محله‌ها و محوطه‌های تاریخی آشکار است.

با بی جدید برای طراحان مورخان علاقه‌مند به تاریخ صورت شهر در حال گشایش است که قابلیتها آن بی حد و مرز می‌نماید. □

پی‌نوشت‌ها:

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Nezar Al-Sayyad, "Modelling Traditional Islamic Cities" in: *MIMAR: Architecture in Development*, no. 43 (1992), pp. 26-33.

۲. آگورا در شهرهای یونان باستان فضایی روباز و محل برگزاری
فعالیت مختلف اجتماعی بود. — و.

۳. دکومانوس در شهرسازی رومی خیابانی است که امتداد شرقی-
غربی دارد. — و.

۴. محوطه‌ای (میدانگاه) در مرکز شهرهای رم باستان که به واسطهٔ فعالیتهای متنوع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی که در آن انجام می‌شد، اهمیت فوق العاده داشت و طرح کلی آن از آگورای یونانی اقتباس شده بود. — و.
۵. ضبط یاقوت در *معجم البلدان*، ج ۲، ص ۹۱: «و باب الجایة بدمشق منسوب الى هذا الموضع ...». — و.
۶. ضبط مراصد الاطلاع، ج ۱، ص ۱۴۳: «باب توما بضم النساء: أحد ابواب دمشق ...». — و.
۷. ظاهراً مأخذ مؤلف *فتح البلدان* بالازدري است. اما در آنچه سخنی از رویت عهدنامه مذکور به چشم واقعی نرفته است. در ضمن، بالازدري در سخن مقول خود از واقعی چیزی از جزئیات عهدنامه غی کوید و فقط می‌نویسد: «... بل نزل [خالد] بباب الجایة، فاخرج الله اسفف دمشق نزلاً و خدمة فقال: احظ لى هذا الهدف وعده بذلك، ثم سار خالد ...» و فقط در باب فتح مصره به دست خالد است که سخن از شرایط عهدنامه می‌رود. شاید مؤلف این دو را خلط کرده باشد؛ بهخصوص که بالازدري نوشته است: «الأنها [بصربه] من دمشق ...» نک: بالازدري، ص ۱۱۵ و ۱۱۶. — و.
۸. در یونان باستان، قطعه زمینی بود که وقف شاهان یا فرماندهان می‌شد؛ یا زمینی که به منزله مکانی مقدس وقف در گاه خداوند می‌شد.
۹. اما سخن ابن عساکر این است: «... فقال له معاوية كيف ترى هذا البيان. قال: أما أعلاه فللصاصين، وأما أسفله فللقار. قال فتضنهها معاوية و نناها بالحجارة» او لآن قسمت مقول از سپیر روم که گفته است: «این کاخ نیست» در روایت، ابن عساکر دیده غی شود و ظاهرآ برداشت الصیاد از ماجراست؛ ثانیاً به نظر می‌رسد الصیاد «فار» را «نار» خوانده باشد و فار به معنی موش با سیاق عبارت هم بیشتر می‌خواند؛ او اما بالای آن برای گنبدشکان و پایین آن مناسب بتوشان است. نک: ابن عساکر، تاریخ مدنیت دمشق، ج ۲، ص ۲۵۹. — و.
۱۰. اگرچه در بین انگلیسی لغت *envoy* آمده است، که معادل وزیر مختار و سپیر است؛ در تون تاریخی دست اول عربی منصب چوهر «قائد» لشکر ذکر شده است که معادل فارسی آن «سردار» است. نک: ابن تفری بردى الاتابکی، *التجوم الزاهرة في ملوك مصر والقاهرة*، ج ۴، ص ۲۸. — و.
۱۱. آل اخشید خاندانی از امرای ایرانی نژاد بودند که بین سالهای ۳۲۳ تا ۳۵۸ ق در مصر و شام و حرمین حکم می‌راندند؛ نک: ا.ک. باسورث، سلسله‌های اسلامی جاید، ج ۱، ص ۱۳۷. — و.
۱۲. مقریزی می‌گوید خطبه و سیاق عبارت هم مؤید همین کلام است و لغت خطه khutah ظاهرآ غلط چاپی است. اما اصل کلام مقریزی: «[...] و دخل الى القاهرة [...] و ذلك لسبع خلون من رمضان سنه اثنتين و ستين و ثلثمائة، فendum ادخل القصر صلي ركعتين [...] ثم اصبح مجلس المهناء [...] و صلي بالناس صلاة عيد فطر في المصلى [...] ثم خطب بعد الصلاة [...]» نک: المقریزی، *المواعظ والاعتبار*...، ج ۲، ص ۱۹۰. و سخن از دو نماز است: اولی که دو رکعت به هنگام ورود به قصر خویش در روز جمعه از ماه رمضان بهجای آورده و دومی نماز عید فطر که فردای آن روز بوده و در مصلا گزارده شده است. — و.
۱۳. بنا بر روایت مقریزی، این خطبه یا بعد از نماز عید فطر ایراد شده است یا قبل از نماز اخرين جمعه ماه مبارک رمضان. در حالی که مؤلف مقاله حاضر در متن اصلی، اولین جمعه ماه رمضان را روز خطبه خواندن دانسته است. — و.